

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۲۹ جنوری ۲۰۱۳

فلم تکان دهنده دیگری درباره فروش کلیه [گرده] در تهران!

آن لحظات و گفت و گوهای جوانان فروشنده گرده با بنگاه های خرید گرده در فلمی که لینک آن در زیر آمده است نه در شهرهای دور افتاده ای در مرزهای استان های فقیر ایران، بلکه در پایتخت نمایندگان قدر قدرت خدا، تهیه شده است! تهران، کلان شهری که در آن جا، هم خدا و هم نمایندگانش نظاره گر ذره ذره آب شدن جوانان و بسیاری از خانواده ها و هم چنین از بین رفتن هرگونه خلق و خوی انسانی و اخلاقی و اجتماعی هستند؛ کلان شهری که فقر و فلاکت اقتصادی بیداد می کند و ریشه اصلی همه آسیب های اجتماعی و مصائب و فجایع انسانی نیز در همین فقر اقتصادی و بعضاً فرهنگی نهفته است؛

خدا و پیامبرانش و امامانش و نمایندگان آن ها در ایران، نظاره گر جوانان دختر و پسر هستند که برای گذران زندگی چند روزه و چند ماهه شان، گرده هایشان را به حراج می گذارند تا شاید با پولی که از طریق فروش گرده هایشان به دست می آورند مسکنی کوتاه مدت برای تسکین دردهای جانکاه شان باشد؛ اما دردهای جسمی و روانی که با کندن گرده شان به جسم و روان آن ها وارد می شود بی شک تا پایان عمرشان باقی می ماند و هیچ درمانی ندارد؛

نمایندگان خدا و اطرافیان شان در این شهر، در کاخ ها زندگی می کنند، با ماشین های ضدگلوله و اسکورت به محل کار و زندگی شان رفت و آمد می کنند؛ در ثروت های آن چنانی می لوند که شاید حتی یک روز هم برای به دست آوردن آن ها کار نکرده اند و تنها از طریق غارت ثروت های عمومی جامعه به چنگ آورده اند؛

در پایتخت خدایگان، آلودگی هوا هر سال حدود پنج هزار آدم را می کشد؛ گرسنگی و فقر و کارتن خواب ها در سرما جان می دهند؛ روزانه چندین معتاد در گوشه و کنار این شهر جان می دهند؛ زنان و دختران زیادی مورد تجاوز قرار می گیرند و چه بسا برخی از آن ها خودکشی می کنند، به این دلیل که هیچ دادرسی ندارند؛ گوشه خیابان ها و سر چهارراه ها مملو از کودکانی است که با چهره های تکیده و رنجور که اصولاً باید به مدرسه بروند واکس می زنند، گل فروشی می کنند، سیگار و آدامس و شکلات می فروشند، شیشه ماشین ها را سر چهارراه ها تمیز می کنند، فال می فروشند، گدائی می کنند، توسط باندهای مافیائی مورد سوء استفاده های زیادی قرار می گیرند؛ در حالی که عوامل و عناصر حکومتی و ثروت مندان با سری برافراشته و باد در غیبغ انداخته بدون این که کوچک ترین عذاب وجدان انسانی پیدا کنند از کنار آن ها می گذرند و خم به ابرو نمی آورند؛

در این شهر، در روز روشن قمه کش ها و زورگیرها، جیب برها دار و ندار مردم را می گیرند؛ بسیاری از آن ها دست پرورده های همین حکومت هستند و در درون ارگان های سرکوب آن چون سپاه، بسیج، لباس شخصی ها، انصار حزب الله، نیروی انتظامی و ضدشورش، وزارت اطلاعات و غیره آموزش های تروریستی و آدم کشی و دزدی و قمه کشی دیده اند و اکنون به این شکل وحشیانه و درنده خوئی به جان و ناموس و مال مردم افتاده اند؛

در این کشور، جوانان زیادی از دختر و پسر به ناچار روح و جسم خود را به حراج می گذارند تا شاید پولی بخور و نمیر برای گذران زندگی، البته اگر بتوان اسمش را زندگی گذاشت به دست آوردند؛ زنان و حتی مردانی به ناچار و درمانده ساعت ها در کنار خیابان ها برای تن فروشی می ایستند؛

در آمارهای رسمی حکومت اسلامی آمده است که در حاکمیت شان، ۲۰ میلیون شهروند ایرانی دچار بیماری های شدید روحی و روانی شده اند و بسیاری از آن ها نیاز به درمان های بالینی دارند اما امکان تأمین هزینه های درمان شان را ندارند؛

در این کشور، سالانه حدود ۴۰ هزار انسان در تصافات رانندگی می میرند و چندین برابر آن نیز معلول می گردند؛ در این کشور مأمورین حکومت خدا، هر لحظه و هر روز در خیابان ها به زنان و دختران و جوانان توهین می کنند و اگر کسی هم اعتراض کند سر از زندان درمی آورد و سرنوشتش تیره و تار می شود؛ در زندان ها به زندانیان تجاوز می کنند و زیر شکنجه می کشند؛

در این کشور، حکومت با تبلیغات وسیع، قربانیان شان را ساعت ها در میادین شهرها، از جرثقیل ها آویزان می کند تا تماشاگران چندین هزار نفره شاهد جان دادن آن انسان ها بر بالای دار باشند و درس عبرت بگیرند؛

در حاکمیت نمایندگان خدا در ایران، مأموران شان در خیابان ها و در انظار عمومی به شهروندان به دلایل مختلف شلاق می زنند، دست و پای انسان ها را به دلیل دزدی می برند؛ براساس قوانین ضدانسانی اسلامی قصاص، چشم در مقابل چشم، چشم انسان ها را توسط پزشکان حکومتی از حلقه درمی آورند کور می کنند و... در حالی که همه سران و مقامات و مسؤولین حکومتی دست به دزدی های میلیون و میلیارد دلاری می زنند و هنگامی که این عمل آن ها رو می شود بلافاصله رهبر دستور پرده پوشی آن ها را صادر می کنند تا رسوائی شان به گوش مردم بیش تری نرسد و کار به جاهای باریکی نکشد. یک رقم دزدی مقامات حکومتی از بانک های دولتی، که به رسانه ها و برگزاری دادگاه نمایشی نیز کشیده شد سه میلیارد دلار ناقابل بوده است. اما این دزدان حکومتی، همواره از مصونیت «قانونی» برخوردارند؛ در حاکمیت جمهوری اسلامی، در همه ارگان ها و ادارات دولتی، رشوه گرفتن عمومیت دارد و بدون رشوه دهی کار هیچ شهروند به سرانجام نمی رسد؛

خلاصه کلام در این کشور نمایندگان «خداوند عزوجل و قادر و توانا»، هر جنایتی که در قرن های گذشته در تاریخ بشر تجربه شده است بر سر مردم ایران می آورند تا خدایشان از آن ها راضی شود و ورودشان به بهشت را تضمین نماید! در حالی که آن ها در این دنیا و در کره خاکی، برای خود و اطرافیان شان بهشت برینی ساخته اند و برای اکثریت مردم ایران جهنمی سوزان! چون که نمایندگان خدا نیز نیک می دانند پس از مرگ هیچ بهشت و جهنمی وجود ندارد و در دنیای فانی هیچ خیری هم نیست. خدا و قرآن و انجیل و تورات و مسیحیت و یهودیت و بهشت و جهنم و امام زمان و غیره نیز دست ساخته بشراند و دروغ و توهمی بیش نیستند. اساساً مذاهب در تاریخ، برای اسارت بشر توسط صاحبان قدرت و حاکمان، دربارها و سرمایه داران، همواره بازتولید شده اند تا موقعیت برتر و مفت خوری و قدرت را حاکمیت و روحانیت دست در دست هم تداوم بخشند و بازتولید کنند.

بیش از ۱۴۰۰ سال است که روحانیون به خصوص در منطقه خاورمیانه از جمله ایران، یک قشر برتر و ممتاز محسوب می شوند و تنها کسب و کارشان تحویل دادن یک مشت خرافات مذهبی به جامعه است که از این راه هم مفت

خوری می کنند و هم ثروت های کلانی به بهانه ها و مناسبت های مختلفی چون (ایام مذهبی، خمس و زکات، سهم امام و غیره) به جیب می زنند و هم از حمایت های بی کران و سخاوت مندانه مادی و معنوی سرمایه داران و حاکمیت ها برخوردارند. اکنون نیز سی و چهار سال است که آخوندهای ایرانی، مردم این کشور غنی و ثروت مند را همانند اشغال گران خارجی به اسارت گرفته اند و به طور روزانه به جان و مال و حتی ناموس مردم تجاوز می کنند و آدم می کشند. به این ترتیب، نمایندگان خدا در ایران، برای رضایت خدایشان و حفظ قدرت و ثروت شان از هیچ جنایتی فروگذار نیستند و به کسی هم رحم نمی کنند؛ و تاکنون نیز نکرده اند!

اما تحمل این همه فاجعه و بربریت و وحشی گری حکومت اسلامی، شایسته هیچ انسانی و هیچ جامعه ای نیست. از این رو، اگر مردم جان به لب رسیده و ستم دیده ایران در تشکل ها و جنبش های اجتماعی خود متشکل و متحد شوند و به مبارزه آگاهانه علیه حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی روی بیاورند آن وقت نه خدا و نه نمایندگان او در ایران، در مقابل قدرت عظیم مردمی، توان ایستادگی نخواهند داشت و فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد. و سرانجام حکومت شان با قدرت مردمی، به آن جانی فرستاده خواهند شد که خدای شان جهنم نامیده است!

بنابراین، تنها راه رهائی و نجات جامعه ایران از تمام این همه بربریت و وحشی گری و فجایع انسانی و فلاکت های متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مبارزه پیگیر در جهت سرنگونی کلیت حکومت اسلامی، با هدف ساختن جامعه ای آزاد و برابر و انسانی و مرفه است! جامعه ای که در آن، همه انسان ها بدون توجه به ملیت، جنسیت و باورهایشان از حقوق یک سان و برابری برخوردار باشند و در صلح و صفا و دوستی در کنار هم زندگی کنند و هنرها و خلاقیت های خود را نیز در فضائی بدون سانسور و اختناق و تبعیض و فشارهای اقتصادی، شکوفا سازند!

* لینک دیدن فیلم ویدئویی تازه ای از فروش گرده در تهران

<http://www.facebook.com/bahram.rahmani.3>